

پنجشنبه، ۲۰ تیر ۱۳۸۷  
۱۰ ژوئیه ۲۰۰۸

# کارگر کمونیست

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar\_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm



## در مورد شکل کارگری: سندیکا و شورا

متن ادیت شده گفتگویی با کاظم نیکخواه در برنامه تلویزیونی "کارگران و یک دنیای بهتر"

تشکل را حق خود میدانند. اعلام کردند که هر پنجشنبه جمع میشوند و مجمع عمومی خود را بعنوان محلی برای تصمیم گیری جمعی

میکنند به آن تحقق بخشند. یک نمونه بارز آن کارگران نیشکر هفت تپه است. می بینیم هر اعتراضی که الان شروع میشود یکی از خواستههایشان مساله تشکل است. سال گذشته بود که کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کردند که

شهرلا دانشفر: کاظم نیکخواه خوش آمدید به برنامه ما. بحث امروز ما در مورد تشکل است. موضوعی که بسیار مهم است و بقول معروف الان دیگر از سطح گفتمان فراتر رفته. مساله ای که بطور عملی کارگران دارند تلاش

صفحه ۴



ناصر اصغری

## ۴ خرداد ۸۷ به ۴ بهمن ۸۲ مرتبط است

به یاد کارگران جانباخته شهرک صنعتی سازند

جان خود را از دست داده اند. در ایران خودرو آمار سوانح کار سر به آسمان زده است. همین الان که دارم این مطلب را می نویسم خبر ریزش آپارتمان هفت طبقه در تهران را از تلویزیون سی ان ان می بینم که ۲۰ کارگر را قربانی گرفت. همزمان خبر

می دهند. ناامنی ای که دولت با تمام سرکوبگری هایش اجازه نمی دهد کارگران برای امن کردن آن قدمی بردارند. کشته شدن ۵۰ کارگر پروژه ساختن سد کارون در عسلویه یکی دو سال پیش. انفجار در معدنی در باب نیزو که منجر به مرگ ۱۱ معدنکار در سال ۸۴ گردید. در شیراز آخرین خبر از مقامات دولتی چنین است که در دو ماه اول امسال ۱۸ کارگر ساختمانی در حین کار

خبر مرگ و میر کارگران در ایران بر اثر آنچه که بعنوان سوانح محیط کار معروف شده است، چنان زیاد است که امری عادی و هر روزه تلقی می گردد. محیط کار در ایران، جهنمی شده است که سودجویی سرمایه داران و حکومت اسلامی آخوندهای میلیاردر بر روی همین زمین برای کارگران آفریده است. روزانه صدها نفر در این کشور این چنین جان خود را از دست

صفحه ۷

## به دستاوش نگاه نکن بعد به حرفش توجه کن

کرد که چه کاری بلد است و چه کاری بلد نیست. و به او گفت چند روز بعد بیا تا بهت بگم میخوایم یا نه. ظاهرا این نوجوان آشنایی داشت به سن و سال خودش در پیش آن یکی کارفرما مشغول به کار بود. در این

حرف میزد. ماجرا از این قرار بود که نوجوانی ۱۳، ۱۴، ساله یک روز قبل از آن به کارگاه ما مراجعه کرد و پرسید: کارگر نمی خواهید. کارفرمای ما که برقی در چشمانش نشست که گویی چشمش به یک طعمه شیرین افتاده او را سین جیم

صفحه ۹



شهرلا دانشفر

## حراست" را از ایران خودرو بیرون کنیم

یک اتفاق مهم در دو هفته اخیر اعتراض هزاران کارگر ایران خودرو بود. کارخانه ای با ۳۰ هزار کارگر با شعار افزایش دستمزد حق مسلم ماست، زندگی انسانی حق مسلم ماست، اعتصاب حق مسلم ماست، هول و هراسی را در دل دولت و کارفرما و مقامات مسئول

انداخت. کارخانه ایران خودرو یک کارخانه دولتی است که فضای پلیسی و کنترل و تفتیش و فشار حراستی ها و پادوهای حکومت به کارگران، آنرا

صفحه ۳

Edited by Foxit PDF Editor  
Copyright (c) by Foxit Software Company, 2004  
For Evaluation Only



## اخباری از اعتراضات کارگری در ایران

صفحه ۱۱

### اینها حادثه نیست جنایت است

جان باختن دهها کارگر در سوانح محیط کار - صفحه ۲

دو خبر اعتراضی کارگری در هندوستان و پیشاور پاکستان

داود رفاهی - صفحه ۱۰

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## اینها حادثه نیست جنایت است

### جان باختن دهها کارگر در سوانح محیط کار

کارگران را که حتی اسامی شان نیز اعلام نشده است به خانواده ها و دوستان و همکاران آنها صمیمانه تسلیم میگوید. دولت و مقامات شهرداری و کارفرمایان و دست اندرکارانی که در این جنایتها آشکارا سهم هستند باید معرفی و محاکمه شوند. بازماندگان این قربانیان بدون قید و شرط و فوراً باید از حقوق مکنی برای یک زندگی انسانی برخوردار شوند. اینها بخشی از جنایات طبقه مفت خور سرمایه دار و حکومت اسلامی آنهاست. حکومت باید بخاطر این جنایت پاسخگو باشد. ما کارگران باید با مبارزه ای جدی و سراسری برای ایمنی هرچه بیشتر محیطهای کار تلاش کنیم. نمایندگان منتخب کارگران باید رسماً امکان داشته باشند تمام محیط های کار را منظم از نظر ایمنی و بهداشت، بازرسی و بازرینی کنند.

نابود باد سرمایه داری

مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی برابر برای حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ تیر ۱۳۷۸ - ۱ ژوئیه ۲۰۰۸

هر اعتراض کارگر به این شرایط جهنمی را با شلاق و گلوله پاسخ میدهد، مسئول مستقیم قربانی شدن کارگران هستند. همه این موارد قابل پیشگیری اند و بارها و بارها از جانب کارگران به کارفرماها و اداره کار هشدار داده شده است.

حزب کمونیست کارگری جان باختن عبدالله و حسن خدارحمی و دو کارگر ساختمانی در کرج را صمیمانه به خانواده، دوستان و همکاران آنها تسلیم می گوید و خود را در غم آنها شریک می داند. سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط بهبود محیط کار و ایمن شدن محیط کار است.

آزادی، برابری، حکومت کارگری

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیرماه ۱۳۸۷

شکافها و ترکهای بزرگی در ساختمان، ساکنین آنرا تخلیه کردند. خطرها و فشارهای مردم ساکن در منطقه و اعتراض به خطراتی که آنها را تهدید میکرد باعث شد که نهایتاً با تاخیر زیاد پروانه تخریب ساختمان داده شود. اما بنا به این گزارش هیچگونه نکات ایمنی و فنی برای تخریب ساختمان رعایت نشده بود. به همین دلیل حین تخریب این ساختمان، با صدای مهیبی کل ساختمان ۳۲ واحدی فروریخت و تمامی ۱۹ کارگری که مشغول تخریب آن بودند زیر آوار مدفون شدند.

مسئول این رویدادهای تاسف آور و فجیع به روشنی در این گزارشها معرفی شده است. این حکومت است که میدان را برای بچاپ بچاپ و ثروت اندوزی مثنی انگل سرمایه دار مهیا کرده و دست آنها را در این چپاول بی مهار بازگذاشته است. خود نزدیکان و سران حکومت نیز بعنوان چپاولگران سرمایه دار بخشی از این روند همه جانبه چپاول در ایران هستند. مفتخوران سرمایه دار به تنها چیزی که ذره این اهمیت نمیدهند جان کارگران است. حزب کمونیست کارگری جان باختن این شمار زیاد از

در دو روز اخیر دو رویداد مرگ آفرین در محیطهای کار جان بیش از ۳۰ کارگر را گرفت. بنا به گزارش "خبرگزاری فارس" یکشنبه ۹ تیر ساعت ۱۰ شب انفجار مهیبی در کارخانه گاز محمد شهر کرج روی داد که موجب انفجارهای بعدی تعداد زیادی کیسول گاز شد. بنا به این گزارش بر اثر این انفجارها در همان ابتدا ۱۵ نفر از کارگران جان باختند.

بنا به یک گزارش دیگر از روزنامه اعتماد روز دوشنبه ۱۰ تیر به دلیل ریزش یک ساختمان در سعادت آباد، حد اقل ۱۹ نفر از کارگران زیر آوار مدفون شدند. این خبرگزاری در گزارش خود میگوید این ساختمان در حالی فروریخت که از دو سال قبل بسیاری از اهالی منطقه و حتی مسئولان شهرداری احوال وقوع حادثه را میدادند. اما هیچ اقدامی برای جلوگیری از این حادثه از سوی مقامات صورت نگرفت. این گزارش اضافه میکند که این ساختمان ابتدا برای یک دوطبقه پی ریزی شده بود اما مسئولین شهرداری در حین ساختمان اجازه ساختن هفت طبقه را روی آن صادر کردند. بعد از دو سال با ایجاد

### ۴ کارگر دیگر قربانی ناامنی محیط کار شدند

#### اینها حوادث محیط کار نیستند، قتل محسوب میشوند

مهرشهر کرج که اسامی شان اعلام نشده جان باختند. حسن خدارحمی، کارگر تصفیه خانه آب سقز، نیز در اثر ناامنی محیط کار در روزهای گذشته جان باخت.

این موارد تنها گوشه کوچکی از قربانیان محیط کار در ایران است. روزانه صدها نفر در این کشور بدلیل ناامنی محیط کار جان خود را از دست میدهند. محیط کار در ایران، جهنمی است که سودجویی سرمایه داران و حکومت کثیف اسلامی بر روی همین زمین برای کارگران آفریده اند. اینها "حوادث محیط کار" نیستند که بتوان به آنها بی احتیاطی یا تصادف گفت. اینها را در جایی مثل ایران باید قتل عمد به حساب آورد. کارفرمایان و حکومت آنها، که

بنا به خبری که اتحادیه آزاد کارگران ایران روز ۴ تیر در اختیار خبرگزاری ها قرار داده است، کارگری ۲۶ ساله به نام عبدالله، از اهالی پیرانشهر و شاغل در کوره پزخانه های ارومیه، هفته گذشته به دلیل سوختگی جان خود را از دست می دهد. وی که سرگرم شستشوی لباس کار خود با بنزین بوده است، دچار آتش سوزی می شود و در نتیجه سوختگی جان خود را از دست می دهد. لازم به یادآوری است که یکی از مطالبات کارگران کوره پزخانه های ارومیه در اعتراضات یکی دو هفته پیش آنها ارتقاء امکانات بهداشتی و ایمنی در محل کار و اقامت آنها بود. بنا به گزارشات دیگر طی همین هفته دو کارگر ۲۰ و ۲۱ ساله ساختمانی در



اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**

## کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران

درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kazem.nikkhah@googlemail.com

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser\_asgary@yahoo.com

شاهلا دانشفر

shahla\_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y\_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan\_salehi2001@yahoo.com

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

Tel: 0046 739 318 404

Fax: 0046 864 897 16

markazi.wpi@gmail.com

دفتر  
مرکزی

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

## حراست" را از ایران خودرو ... از صفحه ۱

به وضعیتی تبدیل کرده که انسان را بیشتر به یاد پادگان می اندازد تا کارخانه. حضور و یک تازی "حراست" در این کارخانه محیط کار را به یک اردوگاه اجباری کار و به قتل گاه کارگران تبدیل کرده است. کارخانه ای که در آن شدت کار پیدای میکند و کارگر در زیر فشار سرعت تولید خرد میشود و روزانه بعد از پایان ساعت کار تنی چون لاشه با خود به منزل حمل میکند. کارخانه ای که در آن ما شاهد جان باختن کارگر زیر فشار کار بوده ایم. پیمان رضی لو، امید اولادی دو کارگر جوان این کارخانه تحت همین فشارها بود که در سال ۸۲ در فاصله یکماه جان خود را از دست دادند. کارخانه ای که بخش عمده کارگران آن را کارگران قراردادی و پیمانی تشکیل میدهد و اگر دست از پا خطا کنند، چماق اخراج و بیکاری بر روی سرشان است. کارخانه ای که زیر زمین آن به محل بازجویی کارگران تبدیل شده است. و یادآور بازداشتگاههای اجباری کاری آلمان هیتلری است.

اما علیرغم همه این فشارها کارگران در این کارخانه همواره در جدال و اعتراض به شرایط برده وار کارشان مبارزه کرده اند و امروز ایران خودرو بیش از هر وقت حالت متعرض و التهاب بخود گرفته است. در عین حال در این کارخانه نقش هوشیارانه فعالین کارگری در متحد کردن اعتراضات کارگران، در انعکاس صدای این اعتراضات در سطح جامعه، در همبستگی با مبارزات بخش های مختلف کارگری و در فرموله کردن خواسته های کارگران و بیان آن بصورت قطعنامه های روشن و از جمله طرح خواست ۴۵۰ هزار تومان بعنوان حداقل دستمزد کارگران در دو سال قبل و ایفای نقش رادیکال در جنبش کارگری قابل مشاهده و قابل

همه جا ولو بودند. در سرویس ایاب و ذهاب و در بخش های مختلف می چرخیدند و کارگران را زیر نظر داشتند. در یک روز در بخش سمند در مقابل ۱۵۰ کارگر شاغل در این بخش حدود ۴۰ تا ۵۰ حراستی بود و کارگران مورد تهدید مستقیم آنان قرار داشتند. اما علیرغم همه این فشارها اعتراض بسرعت بخش های مختلف کارخانه را فرا گرفت. و در روز دوشنبه ۱۰ تیر ده هزار کارگر در حرکت اعتراضی نرفتن به سالن غذا خوری شرکت داشتند. هم اکنون حالت انفجاری کارخانه و تمرکز ۳۰ هزار کارگر در این کارخانه بزرگ، نیروی عظیمی است که بیش از هر وقت دولت و کارفرمایان را به هراس

انداخته است. وجود همین خطر بود که دیدیم در کنار سیاست ارباب و پخش وسیع نیروی حراست در کارخانه و تهدید کردن ها و پلیسی کردن کامل محیط کار، وعده و وعیدها شروع شد. از جمله باقری جوزانی معاون مدیر منابع انسانی باقری در گفتگو با نشریه کارآمد در روز شنبه ۱۵ تیرماه اعلام کرد که از اول مهرماه دستمزد ده هزار نفر از کارگران با رفع محدودیت در ارتقای بودجه مربوط به افزایش درآمد کارگران، افزایش خواهد یافت، اضافه کاری اجباری روزهای جمعه لغو خواهد شد و مدارک مازاد کارگران پذیرفته خواهد شد. و بدنبال وعده باقری مبنی بر آورده کردن گوشه هایی از خواسته های کارگران، این حرکت اعتراضی موقتا پایان یافت و کارگران اعلام کردند که چنانچه مسئولین ایران خودرو به وعده هایشان عمل نکنند، اعتصاب را مجددا شروع خواهند کرد. بدین ترتیب بدنبال حرکت اعتراضی اخیر و قرار گرفتن مدیریت کارخانه در موقعیت

ضعف، اکنون کارگران ایران خودرو در موقعیت قدرتمندتری قرار دارند. ۳۰ هزار کارگر ایران خودرو به همراه خانواده های خود نیروی

عظیمی هستند که میتوانند بعنوان اولین مانع بساط حراست را از کارخانه جارو کنند. به سر حراست همان بلایی را بیاورند که کارگران نیشکر هفت تپه بر سر زیودار رئیس حراست کارخانه خود آوردند و او را با تحقیر از کارخانه بیرون انداختند. در دل چنین حرکت متحدهی، کارگران ایران خودرو شرایط بهتری برای جمع شدن و برپایی منظم مجمع عمومی و تجمعات خود بعنوان محلی برای تصمیم گیری و پیگیری خواستها و مطالباتشان را خواهند داشت و خواهند توانست همانطور که در نیشکر هفت تپه شاهدش بودیم، آنها نیز تشکل

واقعی خود را ایجاد کنند. در يك كلام برچیدن بساط حراست از کارخانه، تحمیل تشکيل منظم مجمع عمومی بعنوان محلی برای تصمیم گیری و اعمال قدرت کارگران در هر هفته، پافشاری بر روی خواستهایی که کارگران ایران خودرو در بیانیه هایشان اعلام کرده بودند، از جمله خواست افزایش دستمزدها در حد يك زندگی انسانی و چندین برابر سطح دستمزد کنونی و استخدام رسمی همه کارگران قرار دادی، امری عاجل و فوری برای کارگران ایران خودرو ست. باید حراست را از کارخانه ایران خودرو بیرون انداخت.

### از خواسته های کارگران ایران خودرو حمایت کنیم:

اعتراض کارگران ایران خودرو که از صبح روز ۸ تیرماه از سالن غذاخوری با شعارهایی چون "زندگی شایسته حق مسلم ماست" و "افزایش حقوق ها حق مسلم ماست" شروع شد، دو روز بعد با پیوستن بیش از ۱۰۰۰۰ هزار نفر از کارگران بخش های مختلف، ابعاد گسترده ای یافت و با پیوستن سایر کارگران به این اعتراض، خواست های کارگران از اعتراض به تغییر مدت شیفت های کار خط تزئینات و بدون مشورت با کارگران، به مطالبات اساسی تری ارتقا یافت. مطالبات کارگران عبارتند از:

۱. آزادی تشکل های کارگری و عدم ورود حراست به سالن ها
۲. لغو اضافه کاری اجباری و برداشتن سقف اضافه کاری عادی
۳. افزایش حق آکورد (حق بهره وری)
۴. افزایش حقوق ها متناسب با افزایش قیمت ها در کشور
۵. لغو قراردادهای موقت و استخدام رسمی کارگران
۶. جلوگیری از گسترش شرکت های پیمانکاری و انتقال کارگران آن به خود شرکت ایران خودرو
۷. شرکت نمایندگان کارگران در کمیته مشاغل طبقه بندی
۸. شرکت نمایندگان کارگران در کمیته تشخیص کارهای سخت و زیان آور
۹. کاهش فشار کاری با استخدام نیروهای جدید

سایت کارگران

www.kagaran.org

سایت روزنه

www.rowzane.com

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

## در مورد شکل کارگری...

از صفحه ۱

خود تشکیل می‌دهند و خواهان ایجاد سندیکای خود شدند. و در دور جدید مبارزاتشان به این خواست خود تحقق بخشیدند. رسماً تشکیل آنرا اعلام کردند. هیات مدیره آنرا انتخاب کردند. و الان تشکل خود را برپا کرده‌اند. شما این موضوع را چگونه تبیین می‌کنید و کلاً اهمیت این مساله را چه میدانید؟

کاظم نیکخواه: قطعاً طرح مساله تشکل بسیار مهم است و نشان دهنده اینست که کارگران علیرغم اینکه از نظر مالی و تامین مایحتاج اولیه بشدت در تنگنا هستند، به امر تشکلشان هم می‌اندیشند. در واقع میدانند که تشکل ابزار کارگر برای هر بهبودی در زندگی است. در همین تلویزیون کارگر هفت تپه پیام می‌گذارد و با بعضی می‌گوید نمیتوانم حتی پنج تا نان خالی برای فرزندانم بخرم و بخانه ببرم. تاثیر دستمزدهای پرداخت نشده و کلافی که کارفرما و دولت بر کارگران تحمیل کرده است برآستی قابل توصیف نیست. ولی همان کارگر هفت تپه با قاطعیت می‌گوید تشکلم را می‌خواهم. این نشان میدهد که کارگران نه تنها برای مسائل فوری‌شان مثل دستمزدهای پرداخت نشده و سایر خواسته‌های فوری خود مبارزه می‌کنند. بلکه یک قدم جلوتر از این نیز می‌بینند و میدانند که تشکل ابزار دست کارگران است. میدانند که بدون تشکل مبارزه شان در واقع غیر ممکن است و همین حد از مبارزه‌ای هم که میکنند در واقع با درجه‌ای از تشکل است. ولی وقتی که اعلام میکنند که ما تشکلمان را می‌خواهیم و ما می‌خواهیم مجمع عمومی خود را تشکیل دهیم و عملاً سندیکای خود را تشکیل می‌دهند، عملاً نشان دهنده اینست که جنبش کارگری، طبقه کارگر ایران آگاهی تجربه و سطح مبارزه اش بسیار فراتر از آن است که تصور میشود. فراتر از آنست که فرض کنید دو سال پیش و

و می‌گویند ما اتحادیه و سندیکا خود را تشکیل می‌دهیم و گردانندگان را هم تعیین کرده ایم. این را عملاً به دولت تحمیل کردند. در جامعه‌ای که اعتصاب ممنوع است. تشکل ممنوع است. اعتراض کردن ممنوع است. کارگر دارد مبارزه می‌کند. هر روز اعتصاب و مبارزه می‌کند و قدم‌های اساسی و اولیه برای برپایی عملی و تحمیل تشکلش را هم دارد برمی‌دارد.

شهلا دانشفر: بله بطور واقعی این یک پیشروی است نه تنها برای کارگران نیشکر هفت تپه - بلکه برای کل جنبش کارگری. و دارد راه نشان میدهد که چطور میشود متشکل شد. نشان میدهد که مساله تشکل امر خود کارگران است و خودشان میتوانند تشکل را ایجاد کنند. معلوم است که نه دولت نه کارفرما و نه سرمایه داری اجازه نمیدهد کارگر متشکل شود. چون نمی‌خواهد کارگر قدرتمند شود. معلوم است در مقابل آن می‌ایستد. آنجایی مجوز معنی پیدا میکند یعنی دولت پای دادن مجوز می‌آید که هزاران کارگر نیشکر هفت تپه ایستاده‌اند و حکومت ناگزیر است گردن بگذارد. تازه اینجا نیز دیدیم که دولت علیرغم اعتراضات کارگران، تجمعاتشان و غیره کوتاه نیامد و اجازه نداد کارگران تشکلشان را برپا کنند. و کارگران نیز کار خود را کردند و تشکل خود را رسماً اعلام کردند و عملاً آنرا تحمیل کردند. اما شما گفتید ما از تشکل کارگران نیشکر هفت تپه حمایت می‌کنیم. از این حرکت حمایت می‌کنیم. بدرست گفتید از هر خشتی که کارگر در جهت تشکلیابی خود روی خشت بگذارد پشتیبانی می‌کنیم. اما بعضاً صحبت از این میشود که حزب کمونیست کارگری ایران شوراها را بعنوان آلترناتیو تشکلیابی کارگران نام میبرد بر مجمع عمومی کارگران بعنوان نطفه پایه ای تشکل های کارگری و شوراهای کارگری تاکید

می‌گذارد. آیا اینجا تناقضی هست؟ آیا آن بحث شورا و سندیکا اینجا مطرح نمیشود؟

کاظم نیکخواه: اجازه دهید اول تاکید کنم که ما نه فقط حمایت می‌کنیم و حمایت کرده ایم، بلکه کمک کرده ایم و عملاً تلاش می‌کنیم که کارگران تشکل خود را و همین سندیکا را به طور جدی تقویت کنند و شکل بدهند، جلو بیاورند. استحکام و قوام بدهند. ایرادات و ضعفهایش را برطرف کنند و جلو بروند. از هر طرفی، هر توانی که داشته ایم. تبلیغی، رهنمود دادن. افق روشن در مقابل آن گذاشتن، و مطرح کردن آن این تلاش را کرده ایم و خواهیم کرد. ما در مورد سندیکای کارگران شرکت واحد نیز تلاش کردیم با دخالتگری و بحث و نقد و تبلیغ که این تشکل رادیکال و متکی به توده کارگران باشد. رادیکال جلو بیاید و غیره و غیره. بنابراین بحث فقط بر سر اعلام یک حمایت خشک و خالی و یکجانبه‌ای نیست. بلکه تلاش هم جنبه‌ای را انجام می‌دهیم. انجام خواهیم داد و هر چه توانیم بیشتر انجام می‌دهیم که کارگران بتوانند متشکل شوند.

اما اینکه مساله شورا را تاکید داریم و تبلیغ می‌کنیم، اینکه استراتژی تشکل یابی کارگران را تاکید کرده ایم که تشکل مجامع منظم و شوراهای کارگری است، هیچ تناقضی با آنچه گفتیم ندارد. چون همانجا یعنی در همان قطعنامه و بحثهای اولیه‌ای که بر شورا و مجمع عمومی تاکید کردیم، همانجا اعلام کردیم که ما از هر خشتی که کارگران برای متشکل شدنشان روی خشت بگذارند و هر قدمی که کارگران برای تشکل خود بردارند در هر سطحی باشد دفاع و حمایت می‌کنیم. کنارشان می‌ایستیم. این را بیست سال پیش اعلام کردیم. این کار را کردیم. ولی بحث چیست؟ بحث اینست که سندیکا و اتحادیه در دنیا تاریخ و تجربه معینی دارد. یک

واقعیت معینی دارد. یک شکل و شمایل و خط و سیاست و چهارچوب معینی دارد که با بوروکراسی در بالای آن شناخته میشود. با مفاشات با دولتها شناخته میشود. معمولاً خط سوسیال دموکراسی و جریانات رفرمیسم در جوامع سرمایه داری است. برای نمونه در انگلستان "حزب کارگر انگلستان" که حزب بورژوازی بزرگ انگلستان است وصل به اتحادیه کارگران است و اتحادیه‌ها با آن حزب تداعی میشوند. در کشورهای دیگر با جریانات سوسیال دموکراسی تداعی میشوند. نه تنها تداعی میشوند، وصلند. یعنی رهبری اتحادیه‌ها در رهبری حزب سوسیال دموکرات هست. یعنی اتحادیه در رهبری حزب کارگر انگلیس هست و در کشورهای مختلف دیگر هم همینطور است. و تاکید کنم که تنها این نیست که یک رابطه سیاسی محدودی بین اتحادیه‌ها و جریانات رفرمیستی و بورژوازی باشد. اتحادیه سنتت را، خطش را، سیاستش را، استراتژی اش را در همه جا دارد از جریانات رفرمیست و سوسیال دموکراتیک یعنی جریانات بورژوازی می‌گیرد. بوروکراسی بر آنها حاکم است. اصلاً سیستمشان سرتاپا بوروکراتیک است. مانع مبارزه کارگران هستند، بویژه مانع مبارزه رادیکال کارگران هستند. کارگر برای یک اعتصاب ساده باید از هفت خوان رستم اتحادیه بگذرد تا بتواند دست به حرکتی بزند. در عین حال در چانه زدن برای دستمزد برای ساعت کار و برای شرایط کار تاثیراتی دارند و بهبودهایی ایجاد کرده‌اند که اگر این را هم نکنند دیگر اسمشان را هم بعنوان تشکل کارگری باید خط بزنند. در نتیجه عملاً اتحادیه‌گرایی و اتحادیه‌ها در این سنت ها قرار دارند. در سنت سوسیال دموکراسی، در سنت سندیکالیستی، در سنت رفرمیستی در جوامع مختلف. اساساً به همین دلیل هم کارگران دارند فوج فوج از این اتحادیه‌ها جدا

# زنده باد جنبش مجمع عمومی!

## در مورد شکل کارگری...

از صفحه ۴

میشوند. و متاسفانه آلترناتیو رادیکالتی را هم هنوز بطور وسیع جلو نکشیده اند و در نتیجه کارگر در این جوامع دارد از تشکله به نسبت قبل دور میشود.

دوره ای که ما الان بویژه داریم در آن به سر میبریم. بویژه در جامعه ایران یک مبارزه رادیکالی جریان دارد. یک جنبش سیاسی رادیکال اعتراضی کلا علیه جمهوری اسلامی و برای کنار زدن تعرض سرمایه داری جریان دارد. در میان کارگران و در همه بخش های جامعه هست. بهر حال با توجه به این بحث ما بطور خلاصه بر سر این است که اگر کارگر بخواهد بی اختیار، محروم، و اسیر بوروکراسی باقی نماند. اگر کارگر بخواهد بطور واقعی و مستقیم در شرایط کارش دخالتی بکند. اگر کارگر بخواهد بطور واقعی نمایندگان خود را بگذارد جلو که مبارزاتش را هدایت کند، دیگر باید از چارچوب سندیکا جلوتر برود. دیگر سندیکا ظرف آن نیست. بویژه این سندیکاها یک سنت هایی را تثبیت کرده اند که هر سندیکا و اتحادیه ای که درست کنی. به احتمال زیاد خود بخود و بخاطر شرایط دیر یا زود می افتد در همان چهارچوب.. مگر اینکه یک تلاش نقشه مند و آگاهانه ای در همان جهتی که ما میگویم صورت بگیرد، نگذارد که سندیکا دچار بوروکراسی بشود. نگذارد از توده کارگران جدا بماند و سندیکا به بخشی از دستگاه اداری دولتی تبدیل شود. نگذارد سندیکا به این مفهوم ربطی به اتحادیه های بوروکراتیک موجود داشته باشد. این خطی است که ما داریم.

در جامعه ایران چطور است؟ واقعیت جامعه ایران این است که بطور بالفعل یک مبارزه واقعی رادیکال در جریان است. مبارزه برای سرنوشت جمهوری اسلامی و مبارزه برای نان شب که بهم گره خورده است.

این سندیکایی که تشکیل میشود یک حرکت معین کارگران در یک توازن قوای معین است. نه به این مفهوم که کارگر نمیتواند مجمع عمومی را بطور منظم تشکیل دهد. بلکه به این مفهوم که امروز اینجا سندیکا تشکیل میشود، در جای دیگری اتحادیه تشکیل میشود، در یک کارخانه مجمع عمومی بطور منظم تشکیل میشود و یک چشم انداز وسیعتری را باز میکند و همه اینها کمک میکند که جنبش کارگری جلو برود. پیشروی اساسی طبقه کارگر گره خورده است به اینکه

این جنب و جوش برای تشکیل یابی هرچه بیشتر وسعت بگیرد. در این هیچ تردیدی نباید داشت. اما روشن است که سندیکا بشرطی که در چارچوب جنبش مجمع عمومی و شورایی عمل کند، و سیاست رادیکال و اتکا به توده کارگران را بعنوان جزئی جدایی ناپذیر از خصلت خود داشته باشد میتواند به پیشروی طبقه کارگر کمک کند و این بشرطی عمل است که از سنت سندیکالیستی و بوروکراتیک جدا نگه داشته شود و خط و سیاست غالب در میان کارگران و رهبران کارگری خط چپ و رادیکال و شورایی باشد. همانطور که اشاره کردم آن تلاشهایی که امروز در میان کارگران برای پیشبرد امر تشکیل دارد صورت میگیرد حرکتهایی در یک توازن قوای معین برای عقب راندن جمهوری اسلامی و کارفرمایان است نه پیش آمدن الگو و سنت شناخته شده و بوروکراتیک سندیکالیستی. حضور فعالین چپ و رادیکال کارگری، حضور فعال جنبش ما جنبش کمونیسم کارگری این را تضمین میکند. بطور خلاصه بحث ما و تاکید ما بر شورا و مجمع عمومی به معنای سیاست و جهت گیری طبقه کارگر برای یک دوره تاریخی است. یعنی استراتژی تشکیل یابی کارگران باید از خط

سندیکالیستی و رفرمیستی فاصله داشته باشد و به دلیل اوضاع ویژه سیاسی ایران و حاشیه ای بودن رفرمیسم و لیبرالیسم و سندیکالیسم در ایران، فاصله خواهد داشت. وقتی که جنبش رفرمیستی و لیبرالی و سندیکالیستی کلا در صحنه سیاست جامعه دست بالا ندارد و حاشیه ای است، الگوها و سنتها و استراتژی کردم یک پدر بزرگی دارد معمولا و آن سوسیالیسم دمکراسی است و اینها معمولا جایگاهی در دولت دارند. بخشی از دولتها هستند و اینها بالاخره جایگاه اجتماعی قابل توجهی در کشورهای اروپایی دارند. ولی در ایران شما به من یک جریان سوسیال دمکراتیکی نشان بدهید که جای جدی در اوضاع سیاسی ایران دارد یک همچنین چیزی وجود ندارد در نتیجه اینکه تک و توك کسانی هم یک همچنین چیزی بگویند برای ما طبیعی است و به هر حال میتوانند دلشان خوش باشد.

شهلا دانشفر : سوالی که مطرح میشود این است که یک عده این تحركات کارگران و برای مثال همین تشکیل سندیکای نیشکر هفت تپه را یک پیروزی برای سندیکالیسم و خطی که میگوید سندیکا تنها آلترناتیو کارگران است میدانند میگویند این نشان میدهد که سندیکا و اتحادیه آلترناتیو بهتری است. شما نظرات چیست در این مورد؟

کاظم نیکخواه: طبیعی است به نظر من. بالاخره اسم سندکا آمده و آنها هم میتوانند بگویند که این پیروزی ماست ولی واقعیت را که نگاه کنیم حضور همین جریانات سندیکالیست و رفرمیست یا سوسیال دموکراتیک که شما به آنها اشاره میکنید را در فضای سیاسی ایران نمیتوان نشان داد. جای جدی ای در اوضاع سیاسی ایران و فضای سیاسی ایران ندارند. شما همین الان نمیتوانید برای نمونه سازمان و حزبی را در میان اینها اسم ببرید که نقش قابل توجهی دارد در ایران بازی میکند. یعنی میخواهم بگویم که نه حزبی هستند، نه جایی حضور تعیین کننده ای دارند در جامعه و به عنوان جریان سیاسی یا جریان کارگری نقش فعالی در این سالهای اخیر در خود مبارزه کارگری و جنبش کارگری داشته اند. میخواهم بگویم که این واقعیت سرنوشت سندیکالیسم و رفرمیسم و

سوسیال دموکراسی و این خط و خطوط در جامعه ایران است. حداقل اوضاع امروز در سالهای اخیر تا به اینجا این را نشان میدهد که جریانات مماشات جو، جریان رفرمیستی جریان سندیکالیستی جایگاهی نه در جنبش کارگری دارد نه در اوضاع سیاسی در ایران دارد. به خاطر اینکه سندیکالیسم همانطور که قبلا اشاره کردم یک پدر بزرگی دارد معمولا و آن سوسیالیسم دمکراسی است و اینها معمولا جایگاهی در دولت دارند. بخشی از دولتها هستند و اینها بالاخره جایگاه اجتماعی قابل توجهی در کشورهای اروپایی دارند. ولی در ایران شما به من یک جریان سوسیال دمکراتیکی نشان بدهید که جای جدی در اوضاع سیاسی ایران دارد یک همچنین چیزی وجود ندارد در نتیجه اینکه تک و توك کسانی هم یک همچنین چیزی بگویند برای ما طبیعی است و به هر حال میتوانند دلشان خوش باشد.

شهلا دانشفر : البته گرایش سندیکالیستی در ایران به شکل سیاسی خودش هم عمل میکند. بشکل "توده ایسم"، اصلاح رژیم، تغییر فصل ششم قانون کار و ارجاع دادن به مقاله نامه های سازمان جهانی کار و دل خوش کردن به آن و در واقع اینکه کارگر نه به اتکای خودش کاری را بکند بلکه متوسل شدن به سوراخهای قانونی و اینها، اینها نشان میدهد که اینها جایی دارند. این را چگونه توضیح میدهید؟

کاظم نیکخواه: درست است. ببینید من بحث در مورد این است به ویژه در سالهای اخیر این جریانات شکست خورده اند و حاشیه شده اند. اینها که شما میگویید جریاناتی هستند که در حاشیه حکومت آمده اند و رفته اند و بالاخره شکست خورده اند. امروز شاید سنتهایشان اینجا و آنجا مشاهده شود اما بحث بر سر اینست که آیا خط اصلاح رژیم امروز چه جایی در فضای سیاسی ایران دارد؟ احزاب و

قهرمانان و شخصیتهای این خط بهیچ وجه در وسط صحنه سیاسی جامعه نیستند. شکستشان را خورده اند و فضای ملتهب سیاسی در ایران اینها را به حاشیه رانده است. چند سال اینطور نبود اما امروز اینها جای دیگری پیدا کرده اند. نقش و حضور جدی ای در جامعه ندارند.

شهلا دانشفر : ولی به طور یک مانع عمل میکنند این را چگونه ارزیابی میکنید؟

کاظم نیکخواه: بله درست است. آن بحث دیگری است هر ابهام گویی هر ناروشن گویی و هر راستروی را که کسی در جنبش کارگری تبلیغ بکند یا در جامعه تبلیغ کند یک مانع است و باید با آن مقابله کرد. بحث من بر سر این است که اینها از این زاویه به سندیکای کارگران هفت تپه برخورد میکنند چون اسم سندیکا روی آن است ولی از نظر ما واقعیت این است که این ربطی به جنبش آنها ندارد. بلکه قدمی برای پیشروی یک جنبش وسیع و رادیکال کارگری است. جنبشی که پیشرویش گره خورده به یک جنبش رادیکال سیاسی و چپ. این یک گام عظیم است اگر مثلا کارگر پنجاه تا سندیکا و شورا تشکیل بدهد و در ۱۵ تا کارخانه هر هفته مجمع عمومی خود را تشکیل بدهد از نظر ما یک جنبش سراسری دارد میروید به جلو که جمهوری اسلامی را عقب بزند و کلا سرمایه داری را عقب بزنند. این ادامه اش تشکیل شوراهای کارگری است. این ادامه اش تشکیل مجامع عمومی کارگری میباشد. به خاطر این که گرایش رادیکال کارگری و گرایش رادیکال سیاسی و چپ است که در این پیشروی کارگران دخالت مستقیم دارد و نقش دارد و تبلیغات میکند و در کل این جنبش اعتراضی جایگاه برجستهای دارد. خط مماشات جوی رفرمیست و "مقاله نامه را عمل کنید" نه امروز جایگاهی در جنبش سیاسی ایران دارد و نه ۵ سال پیش

## در مورد شکل کارگری...

از صفحه ۵

داشت. قبلا در دوم خرداد بلاخره در صحنه بود و جست و خیزهایی کرد ولی عقب رانده شدند و تحویل گرفته نشدند. ولی همانطور که شما گفتید به عنوان يك مانع به يك درجه عمل میکنند که باید عقب رانده شوند. در همان شرکت واحد که اشاره کردید ما این خط را از جانب بعضی افراد و شخصیتها در سندیکای شرکت واحد میبینیم که دارد يك موقع هایی بروز پیدا میکنند. و ما جوابش را داده ایم. نقد کرده ایم و سعی کردیم به عقب رانده شود. و امروز شاهد این هستیم که گرایش رادیکال دارد صدای بلندتری پیدا میکند. با صدای رستتاری حرف میزند منظوم این است که همانطور که قبلا هم اشاره کردم کلا جنبش رفرمیستی و سوسیال دموکراتیک و مماشات جو يك جنبش سیاسی است که که آینده ای در جامعه ایران برایش متصور نیست. در جنبش کارگری هم آینده ای ندارد. در نتیجه این سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه هیچ ربطی به آنها ندارد جز اسمش.

شهلا دانشفر: من نکته ای بنظرم رسید. میخوام بگویم که حتی به لحاظ عملی هم بالاخره از بالای سر کارگر تصمیم گرفتن و کارگر را از عرصه مبارزه خارج کردن یکی از پایه های اصلی سنت این گرایش است. اما در ایران این کارگر را نمیشود فرستاد به خانه، یعنی جنبش اعتراضی که ما شاهد آن هستیم کارگری که چهار ماه حقوقش داده نشده و عمیقا خشمگین است، هزاران کارگر که می آیند توی خیابان و در برابر حکومت اسلامی اعتراض میکنند، اینها را نمیشود براحتی فرستاد به خانه. آیا شما با این نکته موافق هستید؟

کاظم نیکخواه: بله درست است. این را هم میخوام بگویم که سندیکالیسم با خود سندیکا تشکیل دادن متفاوت میباشد ما وقتی که میگوییم "جنبش شورایی" در واقع استراتژی تشکیل یابی کارگری را به

طور کلی داریم مطرح میکنیم. این به این مفهوم نیست که حتی در اوج جنبش شورایی اینجنا و آنجا سندیکایی تشکیل نشود یا لازم نشود. يك جاهایی به خاطر وضعیت شرایط کاری کارگران طوری است که ممکن است تشکیل سندیکاها متناسبتر باشد برای آنها و یا مثلا فرض کنیم که مجمع عمومی تشکیل دادن خیلی عملی نباشد و دخالت توده کارگری را باید طور دیگری تامین کرد. مثلا کارگر شرکت واحد که تک نفری بعنوان راننده میروند سرکار دقیقا همان وضعیتی را ندارد که کارگر ایران خودرو دارد که همیشه چند هزار نفر با هم دارند زیر يك سقف کار میکنند. دخالت توده کارگران را اینجا باید بشکلهای دیگری تامین کرد. منظوم اینست که در شرایط ویژه کاری ای ممکن است که خود ما هم توصیه کنیم که اینجنا شما سندیکا را تشکیل بدهید.

شهلا دانشفر: حالا در رابطه با سندیکای شرکت هفت تپه، شما فکر میکنید چه افقی را در مقابل اینها یعنی کارگران نیشکر هفته تپه میتوان قرار داد؟ شما میگویید که مجمع عمومی را ممکن است نتوانند تشکیل دهند برای اینکه این تشکل بتواند اراده مستقیم کارگران باشد باید چکار کند؟

کاظم نیکخواه: شرکت نیشکر هفت تپه شامل این استثنایی که من گفتم نمیشود. چرا که ما همیشه در شرکت نیشکر هفته هزاران کارگر داریم که دارند کار میکنند و میتوانند مجمع عمومی خود را تشکیل دهند و خودشان هم گفتند که تشکیل میدهم. اگر من به طور جدی بخواهم توصیه ای بکنم این است که کارگران همان چیزهایی که مطرح کردند را عملی کنند. یعنی تشکیل مجمع عمومی منظمشان را حالا چه هفتگی یا دو هفته یکبار حالا هر چه که خودشان تشخیص بدهند. و سندیکا، این تشکل را میتوانند به حتما لازم است که متکی کنند به

مجمع عمومی کارگری و تصمیم توده کارگران. سعی کنند که این تشکل نقشش این باشد که توده کارگران را فعال در میدان نگه دارد. تلاششان این باشد که دخالت گری کارگران در شرایط کارشان در کل شرایط کارشان از دستمزد گرفته تا ایمنی محیط کار تا کلا هر چیزی که به وضعیت کارشان مربوط میشود عملی شود. سعی کنند که در توازن قوای جلوتری کارگران را تشویق کنند که در کل شرایط کار دخالت مستقیم کنند و اراده خود را بر شرایط کار اعمال کنند. سعی کنند توده کارگران در مسائل سیاسی محیط خودشان دخالت داشته باشند. کارگران هفت تپه همین الان دارند میگویند "ما فرماندار نمونه نمیخواهیم" این يك درجه دخالت در سیاست است. میگویند کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم و صد تا شعارهای اعتراضی مختلفی دارند که عملا سیاسی است. یکی از ویژگیهای سندیکالیسم این است که کارگر را از سیاست جدا میکند و میگوید من فقط صنفی هستم. صنفی. در جامعه پر التهاب ایران به ویژه این سم است که سعی کنید به کارگر بگویید در سیاست دخالت نکن. بنابراین توجه رهبران کارگری را میتوان به این جلب کرد که کارگر، کارگری که میگوید حراست در کارخانه نباشد دارد در سیاست دخالت میکند. کارگری که میگوید شورایی اسلامی نمیخوام دارد در سیاست دخالت میکند. و کارگری که میگوید فرماندار فلان نمیخوام دارد در سیاست دخالت میکند. این جهت گیری وقتی به طور همه جانبه تری تاکید بشود، اگر کارگران معنا و اهمیت تک تک این مبارزاتشان را بشناسند، خصوصیات مختلف مبارزه ای که در همین یکسال گذشته داشتند را دقت کنند و سعی کنند این را تبلور بدهند در سندیکایشان، در مجمع عمومیشان آن وقت به نظر من ما يك تشکل کارگری خواهیم داشت که واقعا توده کارگران را نمایندگی میکند. و هیچ ربطی به اتحادیه بوروکراتیک و ظاهرا غیر سیاسی و رفرمیستی در کشورهای مختلف

سنتی نباشد در غیر این صورت نابود میشود. این طوری نیست که اگر این کارها را نکنید يك سندیکایی مثل سندیکای فلان در کشور سوئد خواهید داشت. در جامعه ایران یا سندیکا متکی میشود به رادیکالیسم متکی میشود به دخالتگری توده کارگران یا میشود يك چیزی رو کاغذ و پوشالی که هیچ نقشی در این دنیا نخواهد داشت.

شهلا دانشفر: یا میشود يك چیزی شبیه شورای اسلامی در کنار دولت!

کاظم نیکخواه: یا به قول شما میشود شبیه "شوراهای اسلامی". اگر خود افت و خیز سندیکای شرکت واحد را هم نگاه کنیم متوجه میشویم که آن دورههایی که این تشکل وصل بوده به توده کارگران، فعال بوده و نقش داشته و يك تشکل واقعی بوده. و آن موقعی که دیگر نمیروند سراغ کارگران و اتکایی ندارد به دخالتگری، حضور و اراده کارگران آن وقت میبینیم که شما اصلا وجود آنرا نمیتوانید زیاد احساس کنید. نیشکر هفت تپه که اولین گامها را دارند در جهت ایجاد تشکل برمیدارند مهم است که فعالینش، رهبرانش توجه داشته باشند که اگر بخواهید تشکل یا این سندیکایشان معنی داشته باشد و يك تاثیر واقعی، ملموس و محسوسی داشته باشد باید توجه کنید که غیر از این راهی وجود ندارد که به توده کارگران هفت تپه اتکا کنید و سعی کنید که خط رادیکالی را نمایندگی کنید و سعی کنید از خط کلاسیک سنتی سندیکالیستی که میخواهد کارگر را از سیاست جدا کند پرهیز کنید. به بهانه های مختلف اختناق و فلان و بهمان. گفتم. مبارزه در جامعه جریان دارد و کارگر نیشکر دارد مبارزه میکند و دارد در سیاست هم دخالت میکند و دارد برای حقوق امروزش هم مبارزه میکند و آینده خود را هم دارد می بیند. این مجموعه را اگر بگذارید کنار هم نشان خواهد که رهبر کارگری در نیشکر هفت تپه چه جهتی را باید در پیش بگیرد و تقویت کند. \*

پیاده کننده: علی گلزار

## ۴ خرداد ۸۷ به ۴ بهمن ...

از صفحه ۱

انفجار در کارخانه گاز محمد شهر کرج بیش از ۱۵ کارگر را به کام مرگ فرو برد. ۵ کارگر در چاهی در یاسوج جان باختند. و و. در یک ماه گذشته با احتساب جانبختگان و مصدومین حادثه دلخراش بازنه شهرک شازند، تعداد قربانیان محیط کار - فقط از زبان آمار دستکاری و سانسور شده جمهوری اسلامی - به بیش از ۱۴۰ نفر می رسد. همه این موارد قابل پیشگیری بودند و بارها از طرف کارگران به کارفرماها و اداره کارشان هشدار داده شده بود که فاجعه در راه است! اگر تنها بخش کوچکی از دسترنج به غارت رفته کارگران صرف ایمنی محیط کار بشود، اینگونه شاهد چنین حوادثی در چنین ابعادی نخواهیم بود.

قبلا در همین نشریه "کارگر کمونیست" به ناامنی محیط کار و رابطه آن با سرکوب دولتی مثل جمهوری اسلامی و روابط حاکم بر کار در ایران پرداخته بودم. این بار می خواهم با بررسی مورد شهرک صنعتی شازند، بار دیگر بر تلاش برای تغییر این وضعیت تاکید کنم.

### حادثه دلخراش بازنه

شاید حادثه روستای بازنه متأثر کننده تر از دیگر حوادثی باشد که در چند سال گذشته شاهد بوده ایم. در چهارم خرداد امسال حداقل ۳۵ کارگر دو کارخانه مواد شیمیائی کیمیاگران امروز و کیمیاگستران سپهر، واقع در روستای بازنه از توابع شهرک صنعتی شازند، واقع در ۳۳ کیلومتری جنوب غربی اراک، در عرض چند دقیقه در شعله های آتش می سوزند و چنان خاکستر می شوند که چندین روز طول کشید تا خانواده هایشان توانستند از روی دندانهایشان اجساد این عزیزان را شناسائی کنند. صدها تن دیگر نیز به درجات مختلفی مصدوم شده و بستری می شوند. این انفجار چنان وسیع و گسترده بود که در یک لحظه کل کارخانه را در بر گرفته و امکان هرگونه عکس العمل و فراری را از کارگران سلب کرده بود. آخرین اخبار

دولتی، تعداد کارگران جانبخته را ۳۵ تن اعلام کرده است. اما ساکنین محلی تعداد کشته شدگان را دوسه برابر این میدانند. تاکنون اسامی کارگران جانبخته زیر اعلام گردیده است: (۱) احمد اسفندیاری، (۲) ابوالفضل اسفندیاری، (۳) احد غلامی، (۴) صادق برزگر، (۵) امید هفته ای، (۶) هادی قربانی زاده، (۷) فریبرز هفته ای، (۸) داود کریمی، (۹) محمد طاهری، (۱۰) مهدی ملکی، (۱۱) محمود گلستانی، (۱۲) محمد جعفری، (۱۳) محسن گلستانی، (۱۴) غلامرضا رضایی منش، (۱۵) مسعود قاسمی، (۱۶) محمد اسماعیلی، (۱۷) احمد غلامی و (۱۸) مهدی محمدی. اسامی تعداد بسیار زیادی نیز به عنوان کسانی که مصدوم شده و بدنشان متحمل بیش از ۵۰ درصد سوختگی شده است درج گردیده است. افزون بر این سوختگی در این حادثه هولناک، همین مصدومین در معرض استنشاق گازهای سمی زیادی قرار گرفته اند که بسیاری امیدی برای زنده ماندن خود ندارند. تعدادی از کارگران جانبخته صرفا با استنشاق همین گازها در راه بیمارستان جان سپردند. یکی از سایت های اینترنتی نوشته بود: "احد غلامی، یکی از کشته شدگان این حادثه با اینکه سوختگی اش اندک بوده، حتی در راه انتقال به بیمارستان با همسرش صحبت کرده و از سلامتت خبر داده اما به محض رسیدن به بیمارستان به دلیل ورود مواد شیمیایی به ریه اش سرش متورم می شود و جان می سپارد." "به گفته چند تن از آشنایان کارگر جان باخته احد غلامی، این کارگر فقط از ناحیه پشت دچار سوختگی شده بود و بعد از حادثه صحبت نیز میکرده است اما بر اثر مواد شیمیایی که به ریه اش وارد شده بوده و بدلیل نبود امکانات پزشکی لازم دچار خفگی شده و جان باخته است."

خبر این رویداد ناگوار به حق باعث تأسف همه انسان های شریف شد. ابعاد این حادثه چنان وسیع و

گسترده بوده که حتی فرماندار کرمان سیدعلی آقازاده هم که بعدها گناه را گردن خود کارگران جانبخته انداخت، روز ۹ خرداد را بعنوان روز عزای عمومی اعلام کرد. بازماندگان خشمگین این واقعه این را به روز اعتراض تبدیل کردند. این خشم و اعتراض نباید فروکش کند. نباید این خشم و اعتراض را با یک تأسف صرف و خشک و خالی سرکوب کرد! انسان هایی که تا دیروز برای آینده خود و کودکانشان برنامه می ریختند؛ برای روز داماد و یا عروس شدنشان رویا می دیدند، اکنون دیگر در میان ما نیستند! اینها کسانی نبودند که دکتر به ایشان فقط چند روز و چند ماه دیگر فرصت زنده ماندن داده بود. کسی از اینها انتظار نداشت که بعد از هشت نه ساعت کار به خانه برنگردد؛ گرچه شرایط نامن کارخانه را بارها با مسئولین در میان گذاشته بودند.

### روابط اجتماعی پشت این

#### سوانح

در جامعه طبقاتی همه چیز مهر طبقات را بر خود دارد. حتی مرگ - آنچه که به چشم طبیعی تر از هر چیز دیگری هم می آید. نیز از این قاعده مستثنی نیست. در جامعه ای با روابطی انسانی درصد سوانح کار می تواند تا نزدیک صفر کاهش پیدا کند. در ایران زیر سیطره جمهوری اسلامی اما جان انسان آخرین دغدغه مسئولین حکومتی است. حکومتی که برای اسلامش میلیون ها نفر را در جبهه های جنگ برای فتح کربلا و قدس، و صدها هزار نفر را در زندانها و خیابانها سلاخی کرده و هنوز هم ادامه می دهد، چنین ایده هایی از سرش زیادی لوکس است. سال گذشته در یکی از معادن آمریکا چند معدنکار در ریزش معدنی جانشان را از دست دادند. این موضوع باعث یک افتضاح سیاسی شد. چند ماه موضوع بحث داغ جامعه و رسانه های بین المللی شده بود. مدیریت معدن توسط نهادهای کارگری مورد بازخواست قرار گرفت. مقامات دولتی و معدن از خانواده ها

و جامعه عذرخواهی کردند و دلداری دادند. احساسات خانواده های این جانبختگان با دلسوزی جامعه روبرو شد. در ایران حتی ابراز احساسات و دل سوزاندن برای قربانیان نیز هم گناه است. در خبرها آمده بود: "نیروهای انتظامی و امنیتی ورود افراد به محل را زیر نظر دارند." انگار دنبال دزدی هستند! و یا «به گزارش دسترنج، همه اعضای خانواده اسفندیاری ها در خانه الیاس برادر بزرگ تر ابوالفضل و احمد دو کارگر قربانی آتش سوزی در دو کارخانه شازند کرمان جمع بودند. الیاس، عارف یک ساله (فرزند یکی از اسفندیاری های جانبخته) و علی سه ساله (فرزند خواهر الیاس) که پدرش به خاطر سوختگی در بیمارستان اصفهان است، در آغوش گرفته و با عصبانیت از مراسمی که پنجشنبه ظهر در مصلا شازند برگزار شد چنین می گوید: "فکر می کردیم ما را دعوت کرده اند تا دلداری مان دهند اما نه تنها دلداری وجود نداشت

بلکه مسئولان می خواستند به ما بفهمانند که باید سکوت کنیم و موضوع را فراموش کنیم." و باز انگار می خواهند "غانله ای را سرکوب کنند! روابط حاکم بر کار و قوانین کار، سعی در بالا نگه داشتن حداکثر سود را دارند. جان انسان، رفاه و بهداشت و ایمنی محل کار کارگر حاشیه ای هستند. انسان کارگر در این جامعه جایگاه، حرمت و حق و حقوقی ندارد. کار می کند، اما حقوقش را نمی دهند. گرسنگی می کشد و در آخر هم چنین قربانی سود سرمایه می شود. خواهر یکی از کارگران جانبخته می گوید: "برادر بدبختم سه ماهی بود که حقوق نگرفته بود، غذایش را هم هر روز از خانه می برد، حتی لباس کار هم نداشتند و خودش لباس را تهیه می کرد." تعداد زیادی از کارگران این کارخانجات بیمه نبوده اند\* و تمام کارگران این شهرک صنعتی قرارداد موقت هستند. مادر دو کارگر جانبخته احمد و ابوالفضل اسفندیاری می گوید: "هرچند از دست دادن فرزندانم دردناک است اما

می گویم راحت شدند چون حتی یک روز با شکم سیر سر بر بالین نگذاشته بودند." گزارش دیگری می گوید: "ابوالفضل فقط ۱۰ روز بود که پس از ماهها بیسکاری در کارخانه کیمیاگستران سپهر مشغول بکار شده بود. هیچ یک از اطرافیان ابوالفضل نمی توانستند روزی را که او از خوشحالی پیدا کردن یک شغل در پوستش نمی گنجید فراموش کنند." فرشته، همسر محسن گلستانی می گوید: "محسن با اینکه بارها از نایمن بودن کارگاه گفته بود اما به خاطر تأمین هزینه های عروسی مان، کار کردن در آنجا را تحمل می کرد. چنان سرفه های دردناکی می کرد که هرگز نمی توانم فراموش اش کنم." چنین شرایطی (به دست آوردن کار و سیر کردن شکم خود و خانواده) کارگر را گروگان می گیرد. چنین وضعیتی لازمه سیستم سرمایه داری است. کجا چنین شرایطی شایسته انسان است؟! خانواده کارگران، حتی زمانی که

با چنین حوادث جانکاهی روبرو می شوند، خود دغدغه ادامه زندگی را دارند. الیاس، برادر بزرگتر خانواده اسفندیاری به دو کودک خردسال که در آغوش او هستند اشاره می کند و می گوید: "آینده اینها چه خواهد شد؟ به همسر برادر کوچکتر جانبخته اش اشاره می کند و می گوید: "آینده این چه خواهد شد؟ مسئولان باید از اینها حمایت کنند. ما غرامت می خواهیم." اما همچنانکه بالاتر اشاره کردم، مسئولان به آنها گفته اند که شلوغ نکنند و مسئله را فیصله یافته تلقی کنند. حتی به نظر می رسد که حق دوا و دکتر و کفن و دفن هم به دوش خانواده کارگران افتاده است. در گزارش ها در باره یکی از مصدومین آمده بود: "عبدالله امیدوار است که کارفرمایان هزینه های درمانش را بپردازند، هر چند مددکار بیمارستان اعلام می کند که تاکنون حتی یک قران برای هزینه های درمان او و دیگر همراهانش پرداخت نشده است." این در حالی است که به قول این گزارش "عبدالله" بیمه بوده است، در حالی که

## ۴ خرداد ۸۷ به ۴ بهمن ...

از صفحه ۷

اکثر این کارگران بیمه شده نبوده اند و یا کارگران قراردادی بوده اند. همین موضوع نگرانی دیگری بر نگرانی خانواده این کارگران در چنین شرایط سختی افزوده است.

### کارگران قاتلین را میشناسند

فرماندار کرمان گفته است که سهل انگاری یکی از کارگران (محمد جعفری) عامل انفجار در این دو کارخانه بوده است. اگر محمد زنده بود این انگشت اتهام فرماندار پاسدار کرمان را میگریخت و از مسج دست می شکست و می کند! خواهر محمد می گوید: "محمد ماهها بیکار بود و با اینکه تخصص خاصی نداشت در این کارخانه بعنوان جوشکار استخدام شد. خودش هم متعجب بود که چطور ممکن است به همین راحتی شغلی تخصصی را به یک جوان بی تجربه بدهند و او را در قلب کارخانه و در مهمترین قسمت آن استخدام کنند." اینکه کارگری جوان و بی تجربه و تعلیم ندیده را در حساس و خطرناکترین بخش کارخانه به کار می گیرند و جان دهها نفر دیگر را به همین راحتی بخطر می اندازند، یک جنایت غیرقابل بخشش سیستم سرمایه داری هار اسلامی است که روزی همین قاتلین و جانیان باید جوابگو باشند. اما این تمام تصویر نیست. یکی از کارگران که جان سالم بدر برده است گفته است که شهرک صنعتی با بیش از ۲۰ کارخانه حتی یک ایستگاه آتش نشانی هم نداشته است! خبرگزاری ها گزارش می دهند که نیم ساعت پس از حادثه انفجار در این دو کارخانه، یک ماشین آتش نشانی از شهر خود را به محل رسانده بود که آن هم به دلیل خرابی شیرش، نیم ساعت هم آنجا وقت را تلف می کند و تازه پس از باز کردن شیر، مأمورین متوجه می شوند که تانکر ماشین آتش نشانی فاقد آب است و دوباره به شهر مراجعه کرده و پس از پر کردن آب باز می گردد! همین گزارشات می

افزایند که سیستم ایمنی کارخانه پایین بوده و کارخانه فقط سه کپسول کوچک ضد حریق داشته است. کارگران همچنین گفته اند که مخزنهای مواد شیمیایی که علت اصلی این انفجار بوده است، هر چند وقت یکبار پر می شدند و سپس توی مخزنهای دیگری می رفتند تا برای کار آماده شوند. شیرهای مابین مخزنها بصورت مرتب کنترل نمی شده اند و همچنین لوله های انتقال این مواد فرسوده بوده اند. از نظر سرمایه داران "هیچ مشکلی نیست." از نظر کارگران هر روز پا گذاشتن به چنین محیطی روبرو شدن با عذررائیل است. در یکی از گزارشات آمده است که خواهر محمد جعفری گفته است: "محمد می گفت کارش جوشکاری در قسمتی است که پر از مخزنهای الکل و مواد شیمیایی همچون جوهرنمک و سایر اسیدهاست." او گفته بود: "یک جرقه آتش همه ما را پودر می کند." محمد گفته بود بارها وضعیت پر مخاطره کار در آنجا را با مسئولان و کارفرمای بخش در میان گذاشته، "اما مسئولان هر بار با بی اعتنائی به آن به ما اطمینان داده اند که هیچ مشکلی نیست." اگر این وضعیت و عاملین چنین وضعیتی قاتل کارگران نیستند، پس چه هستند!؟

### جواب کارگران

فرماندار کرمان گفته است دستگاههای اجرایی شهرستان به منظور راه اندازی کارخانجات آسیب دیده در کارند. گفته است استانداردهای لازم در بحث اتفاقات باید توسط شرکت های مستقر در شهرستان رعایت شود (نوشداری بعد از مرگ سهراب!). او از آغاز عملیات پاکسازی و گندزدایی کارخانه توسط تیمهای مجری خبر داده است. اما جانی از بررسی و یا اختصاص هیأتی، حتی نه از کارگران، بلکه از دوستان خودش هم که به این موضوع و ریشه یابی های آن بپردازد،

نگفته است. او در جای دیگری گفته بود مدیریت بحران شهرستان شازند توانست از ابعاد احتمالی این حادثه بکاهد! گفت: "نقش بخشداران، مدیران و یگانهای امدادی، انتظامی و نظامی شهرستان شازند در این جریان پررنگ بوده است." اما بازماندگان این عزیزان و مردم منطقه، روز ۹ خرداد را که توسط مقامات جمهوری اسلامی روز عزای عمومی اعلام گردیده بود، به درست به روز اعتراض بر علیه کارفرما و دولت آنها تبدیل کردند و به عالم و آدم گفتند که اینها دروغ می گویند. روز ۱۲ خرداد بازماندگان کارگران جانباخته همراه با مردم منطقه دست به یک راهپیمایی اعتراضی از مسیر مسجد تا فرمانداری شازند زدند که با دخالت و سرکوب نیروی انتظامی پایان یافت. معترضین به عدم رسیدگی به علل این حادثه اعتراض داشتند.

راستش در جانی مثل ایران که هر اعتراض کارگر با شلاق و سرکوب دولت جواب می گیرد و تلاش برای تشکیل پذیری کارگر مهر تبلیغ و تلاش برای سرنگونی و علیه نظام و براندازی می خورد، این گونه حوادث را دیگر نمی شود صرفا سوانح محیط کار نامید. اینها را باید قتل عمد به حساب آورد. حکومتی که ایجاد تشکل کارگری را ممنوع اعلام کرده و هر روز فعالین کارگری را بخاطر تلاش برای سازماندهی کارگران زندان و سرکوب می کند، مسئول مستقیم چنین فجایعی است. در رابطه بین کار و سرمایه، این کارگر است که حقیقتا به فکر سلامتی خود است. هیچ مأموری که از بالا و توسط کارفرما و دولت حامی منافع کارفرمایان دزد و جانی گماشته شده باشد، فکری جدی به حال ایمنی محیط کار نمی کند. سانحه بازنه، بازخوانی پرونده ای است که صفحات آن پر است از حوادثی این چنین دردناک!

۴ بهمن ۱۳۸۲ یادتان هست؟ همان روزی که هلیکوپترهای جمهوری

اسلامی به طرف معادن خاتون آباد شهر بابک کرمان حرکت کرده و کارگرانی را که تجمع کرده و خواهان تعیین تکلیف خود شده بودند و می خواستند که کارفرما به وعده های خود عمل کند را زیر باران مسلسلهای پاسداران و بسیجی ها گرفت و حداقل ۷ کارگر، از جمله ریاحی، مهدوی، جاویدی و مومنی در عرض چند ثانیه جان باختند و صدها تن دیگر نیز زخمی شدند. در این حادثه معلوم بود که چه کسی به چه کسانی حمله کرد. هم قاتل معلوم بود، هم مقتولین. اطلاعاتیه حزب کمونیست کارگری به درست سوانح محیط کار در ایران را "قتل عمد" خوانده بود؛ چرا که کارفرماها و دولتشان جانی که کارگر را به مسلسل نبسته اند، جلوی تلاشش برای حاکم کردن روابط امن را می گیرند و کارگر را در مقابل شرایطی ناامن و بشدت غیرانسانی قرار می دهند که حوادثی چون ۴ خرداد ۸۷ را مستقیما به ۴ بهمن ۸۲ مرتبط میکنند.

### بعدالتحریر

سایت "دسترنج" در تاریخ ۱۶ تیرماه خبر زیر را منتشر کرد. "۵۰۰ هزار تومان کمک به خانواده های جانباختگان شازند؟! اداره کل تأمین اجتماعی استان اراک ۵۰۰ هزار تومان کمک بلاعوض به خانواده های ۳۴ کارگر جانباخته شازند اختصاص داد. "علیرضا مرادی" فعال کارگری در استان اراک در این باره به دسترنج گفت: این کمک بلاعوض به ۳۴ خانواده پرداخت شد تا در شرایط بحرانی کنونی مشکلات این خانواده ها را مرتفع کند. او گفت: طی بررسی های صورت گرفته، تمامی کارگران جانباخته بیمه بوده و تنها یک راننده ماشین وانت که در لحظه حادثه در حال تخلیه بار بود از مزایای بیمه تأمین اجتماعی بهره مند نمی شود. او افزود: کمیته ای ویژه ای در محل فرمانداری همچنان در حال پیگیری مراحل حادثه و علت یابی آتش سوزی

بوده و مدیر کل دادگستری اراک نیز تاکنون نشت گاز بوتان را علت وقوع این حادثه دلخراش اعلام داشته است.

در همین خبر چند نکته قابل تأمل است. اول؛ اگر این کارگران بیمه بوده اند، تکرار اینکه ۵۰۰ هزار تومان بلاعوض است، دیگر چه صیغه ای است؟ مگر از جیب خودشان می دهند که چنین منتی را سر خانواده این کارگران می گذارند؟ دوم؛ ظاهرا قرار است این پول "بلاعوض" فقط به خانواده جانباختگان پرداخت شود؛ پس ۷۰ کارگر دیگری که هر کدام بیش از ۵۰ درصد سوختگی داشته اند، چه؟! سوم؛ هر کسی که با مسائل کارگری در ایران آشنائی اندکی داشته باشد می داند که این دروغی است که با همدستی خانه کارگریها سر هم بندی شده است. هیچ کارگری که قراردادی است، بیمه نیست. همچنین خبرهای اولیه از زبان خود خانواده های کارگران نوشته بودند که کارگران بیمه نبودند و نگران این موضوع بودند. چهارم؛ فرماندار جانی ای که یکی از کارگران (محمد جعفری) را باعث این آتش سوزی خوانده بود، چرا همراه این خبر که از نشت گاز بوتان گفته اند، نمی آید و از جامعه و بخصوص خانواده محمد جعفری عذرخواهی نمی کند؟! پنجم؛ سایت "دسترنج" به درست در برابر ۵۰۰ هزار تومان علامت سؤال (?) و علامت تعجب (!) می گذارد. ۵۰۰ هزار تومان در ایران امروز درد چه کسی را دوا خواهد کرد. بحران کدام خانواده را حتی برای یک ماه هم که شده کاهش خواهد داد؟ و بالاخره؛ خود دزدان و جانیان نشسته اند و "کمیته" ویژه ای را برای بررسی این موضوع اعلام کرده اند. نماینده کارگران و خانواده این جانباختگان در این میان هیچکاره اند؟ این تمام منطق اسلامی این حکومت و سیستمی است که الحقر همین یک تک موضوع هم مستحق سرنگون شدن است. \*

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## به دستاویز نگاه نکن ...

از صفحه ۱

مکالمه تلفنی کارفرمای ما میپرسید که: "ایا میشود به او اعتماد کرد! دستش کج نیست از زیر کار در رو نیست!!" بعد از آنکه جواب این سوالهایش را گرفت آخر سر پرسید: "ایا اینها حقوق هم میخواهند!!؟" قرار است که این نوجوان نیز مانند ما روزی ۱۲ ساعت بطور روتین تن به استعمار دهد و ایشان در قبالتش میپرسید که میشود پولی نداد! دانهام را بر کردم که يك حرف کلفتی بارش کنم، بسختی اما جلو خودم را گرفتم و از شدت خشم و عصبانیت ناخواسته زدم کار را خراب کردم و بیشتر عصبانی شدم چند تا سیگار خرج خودم کردم که کمی آرام بگیرم. چرا این ماجرا را بازگو میکنم دلیل دارد، البته روز نیست که از این بدترش را هم شاهد نباشیم؛ نوشته بهمن شفیق را خوانده بودم که گویا يك عده بچه پولدار به گفته ایشان " فرزندانش طبقات ممتاز" از روی شکم سیری سرمایه داری را بعنوان "شر مطلق" به انتقاد میکشند و درکی از کار و کارگر و محیط کار و کلا زندگی طبقه کارگر ندارند.

در صورتی که او را به عنوان يك کارگر که مراسم اول مه را برگزار کرده دستگیر و زندانی کردند که اگر داروهای ایشان به گفته خودش ۲۴ ساعت قطع میشد خطر مرگ حتمی بوده. محمود صالحی اشاره میکند که این دولت قانون خودش را زیر پا میگذارد، مثل ایجاد تشکل را که احتیاج به مجوز ندارد. من در این نوشته قصد نقد گفته های محمود صالحی نیست فقط اشاره میکنم که موضوع مصاحبه چی بوده. محمود صالحی و در ادامه با اشاره به شرایط زندان و فعالیت در ایران که از جمله اشاره دارد که: "فعالیت ما کاملاً انسانی است. مگر ما چه می خواهیم؟ ما برای حق آسایش و رفاه کارگران و برابری حقوق زنان فریاد می کشیم. کار ما غیر انسانی نیست. اکنون از هر چه انتقاد می کنیم، می گویند کار شما سیاسی است و نباید خود را تیره کنیم که کار ما سیاسی نیست و تنها کار صنفی است. الان اگر حتی از قیمت بالای مواد خوراکی انتقاد کنیم هم سیاسی تلقی می شود. چرا باید از سیاسی بودن وحشت کنیم؟ و دیگر اینکه "سندیکا و تشکل های مستقل حق ما است ولی باید برای به دست آوردن آن هزینه بدهیم" و در پایان تاکید دارد که باید کار آموزشی کرد.

بهمن شفیق در جای داوری که خود نباید حسابی پس بدهد می نشیند، این مصاحبه چند سطری را قرار میدهد و روی آن تا مثلاً مژه دهد "گرهی دارد باز میشود" و به این بهانه معترضین "رادیکال به نظام" را مورد تفقد قرار دادند. محمود صالحی را تا عرش اعلا بالا میبرد و مصاحبه او را که نکات درستی دارد به نحوی دراماتیک تقدیس میکند و بعد میگوید فرزندانش طبقات ممتاز نمیتوانند مثل کارگران زمینی و واقعی حرف بزنند! این شیوه ویژه ایشان است که قبل ترها هم دیده ایم. شاید اگر شما هم جای او میبودید و ناتوان بودید که در هیچ جایی از جنبش زنده کارگری و کمونیستی

خودی نشان بدهید راه او را برمیگزینید. ایشان اصلاً و ابدا اشاره نمیکنند که این معترضین رادیکال به نظام سرمایه داری که واقعبین را نمی بینند کدام جریانات هستند. همین جور کلی از معترضین رادیکال به نظام سرمایه داری "یاد میکنند بقول معروف خود میبرند و خود میدوزند. اما در پوشش آن سعی دارد که از سندیکا و سندیکالیسم دفاع کند و مبارزه "گام به گام" را بهترین نوع مبارزه معرفی کند که گویا این از دل طبقه کارگر برخاسته در مقابل کسانی که دستی از دور بر آتش دارند نه از آنچه بر خودشان میگذرد. ایشان از "کمونیسم واقعی امروز" یاد میکنند که گویا اگر نمی تواند کارهای بزرگی انجام دهد باید گامهای بنا به تعریف ایشان کوچک بردارند در جهت اهداف بزرگ! بنا به گفته ایشان: "تنها آگاهی به ماهیت سرمایه داری کافی نیست قوانین آن نیز به همان اندازه مهم است" در نظر اول به نظر میرسد که منظور از قوانین، شناخت قوانین بنیادی نظام سرمایه داری است، اما ایشان به صراحت در ادامه همان جمله میفرمایند: "...قوانین جاری در جامعه اند که اشکال حرکت امروز را رقم می زند و تا زمانی که قدرت طبقه کارگر متشکل به مرز در هم شکستن این قوانین انکشاف نیافته است، بی اعتنائی به این قوانین مرگبار خواهد بود."

این تقسیم مبارزین برای بهبود وضعیت طبقه کارگر به فرزندانش طبقه ممتاز و کارگران با دستان پینه بسته تقسیم بندی است که اساساً بورژوازی باب کرده تا مبارزه مبارزان کمونیست و کارگران را لوٹ کند و این دو را جدا از هم نشان دهد و دقیقاً همین استدلال را بهمن شفیق را بکار میبرد. به گفته ایشان توجه کنید: "برای این معترضین ( فرزندانش طبقات ممتاز) ایجاد بهبود در زندگی امروزشان هدفی نیست، چرا که آنان نیازی بدان ندارند. خشم آنان از ستمی است که بر دیگران اعمال می شود. همین خشم است که در قالب اعتراض رادیکال به نظام، به نفع هر گونه مبارزه برای بهبود وضع امروز بر میخیزد و ادبیات خود را به درون

و معترض "رادیکال به نظام" آدمهایی میداند که از روی شکم سیری حرف میزنند و برای شان مهم نیست چه میشود. اگر حرف ایشان را بپذیریم باید مارکس هم را بگذاریم کنار، این یکی دیگر واقعا "پسر يك يهودی متمول" بود. همسرش يك "اشرفزاده" تمام عیار بود. بگذریم که فرزندان کوچکشان از بی غذایی و بی دارویی جلوی چشمشان تلف شدند. دوستش و همراش ( انگلس) که نه تنها بچه پولدار بود که کارخانه پدرش را هم در مقاطعی اداره کرده بود. با لنین چه باید بکنیم؟ این شیوه مرسوم است بورژوازی است که هر گاه میخواهند کمونیسم و مارکس را بگویند سابقه خانوادگی تا هفت جدش را بیرون میکشند تا کارگران را منکوب کنند که: "اینها از جنس شما نیستند ما که شما را استعمار میکنیم بهتر درد شما را میفهمیم مشکلی دارید بیایید هئیت حل اختلاف!"

بهمن شفیق سخنان صالحی را مستمسکی قرار داده که بگوید من هم هستم بخصوص وقتی که اسم سندیکا بمان بیاید هر سوراخی که باشند بیرون می آیند و به این واسطه زمانی به شوراها حمله میکنند زمانی به کسانی که معترضین رادیکال به نظام سرمایه داری هستند. هدف ایشان به جرات مدعی میشوم متشکل کردن کارگران نیست. ایشان کدام تشکل را سازمان داده اند که بطور منسجم و سازمان یافته از مبارزات کارگران در ایران حمایت کنند؛ ایشان بقول محمود صالحی مسئله "هزینه" دادن که ندارند، زندان که تهدیدشان نمیکند. مشکل ایشان تشکل یا عدم تشکل کارگران نیست. همانطور که گفتم یکی را به عرش اعلا میبرند که خود نیز به همراه او و بدون هیچ نقشی زمینی در جنبش کارگری خودبخود در آن نزدیکیهای عرش قرار گیرند. اما این "هزینه" دارد، اولین قدم این است که به صراحت و روشن حرف بزنید، دوم اینکه يك تشکیلات سازمان دهید تا کسی در داخل باورتان کند. اگر کسی محمود صالحی را باور میکند حالا هر انتقادی که میشود به فعالیت او

## دو خبر اعتراضی کارگری در هندوستان و پیشاور پاکستان

داوود رفاهی

### اعتراض وسیع کارگران برش و صیقل الماس در هندوستان

بدنبال اعتراضات وسیع کارگران شاغل در کارخانه های برش و صیقل الماس در روز شنبه ۵ ژوئیه در ایالت گجرات هند، این اعتراضات با شدت بیشتری روز بعد ادامه پیدا کرد که بیش از ۴۰ هزار کارگر در آن شرکت داشتند. این کارگران که با خواست افزایش دستمزد به میزان ۲۰ درصد دست به اعتراض زده بودند، به کارخانه ها و وسایل موجود در آن یورش برده و منازل کارفرمایان را نیز مورد حمله قرار دادند. نیروهای امنیتی که از ابتدای اعتراض در آنجا حضور وسیع و چشمگیر داشتند، با شلیک به کارگران یک کارگر را کشته و تعدادی را نیز مجروح کردند. این کارگران که بشدت خشمگین و معترض هستند، اعلام کرده اند تا دستیابی به مطالباتشان به اعتراض خود ادامه خواهند داد. هزاران کارگر شاغل در این صنعت روزانه با ساعات

طولانی کار و دستمزد ناچیز، الماس را برش زده و صیقل می دهند و برای صادرات به بازار آمریکا آماده می کنند. کارگران می گویند هزینه زندگی بشدت افزایش یافته و کارفرمایان نیز با فروش جواهر آلات که قیمت آن روزافزون است شروهایی هنگفتی به جیب می زنند ولی هیچ تغییری در میزان دستمزد کارگران بوجود نیامده است.

### اعتصاب کارگران شهرداری پیشاور پاکستان

روز دوشنبه ۷ ژوئیه بیش از ۲۳۰۰ تن از کارگران شهرداری شهر پیشاور دست از کار کشیدند و در جلوی درب شهرداری ناحیه ۱ این شهر چادر زدند و اعلام کردند که تا هنگام دریافت مطالباتشان به اعتراض خود ادامه خواهند داد. این کارگران که شامل کارگران جمع آوری زباله ها نیز میشوند در اعتراض به عدم دریافت دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. رئیس هیئت مدیره سندیکای متحد کارگران شهرداری مالک نوید (Malik Naveed) میگوید که نپرداختن سر موعده

### به دستا نشی نگاه نکن ...

فردا خواستی اینجور بیایی نیا؟! این نوجوان عوض شادی کردن باید اول صبح زودتر از همه سر کار باشد و همه کار بکنند. کارگاه را جارو کند، ضایعات را از آشغالها جدا کند، هر کارگری که صدایش کرد و یک کاری به او گفت نه نگوید. مستراح را بشوید، غذاها را گرم کند، سفره را ببندازد و جمع کند. با دریل پایه دار سوراخکاری کند، فلاویز کند، با ابزار سنگینی سنگ بزند تا یک فلزی شکل بگیرد، اگر زورش به هر کدام از این دستگاهها نرسید و دستگاه قلاب کرد و هر بلایی سرش آمد به خودش مربوط است، کم کم یاد بگیرد جوشکاری کند، با یکبار گفتن هم باید یاد بگیرد

داشت این است که عملا دارند تشکل ایجاد میکنند و یا کرده اند. اما ایشان چه؟ همیشه به عنوان یک "سر بزرگ" و دانای کل ظاهر شده اند تا خوب و بد کارگران را به زعم خودشان یادآور شوند.

ایشان چه خوششان بیاید و چه نیاید نظام سرمایه داری شر مطلق است. فرزند هر کسی این را گفته باشد حقیقت را گفته است. هیچ گوشه آن حتی خاکستری هم نیست، همه جای آن سیاه است. آن نوجوانی را که اول نوشته اشاره کردم از امروز سر کار آمد و هنوز رسیده و نرسیده مورد عتاب همکارم قرار گرفت که مویش سفید بود که: این چه وقت آمدن است، از

## گزارشی از ملاقات هیئت واحد حزب کمونیست کارگری ایران - شرق کانادا با مسئولین اتحادیه پست کانادا

بایستی این موضوع را با اعضای خود به بحث و گفتگو بگذارند. در بحثی که در گرفت مسئولین اتحادیه پست معتقد بودند که اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار بایستی از طرف اتحادیه های کارگری ایران مطرح شود- در جواب گفته شد که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اتحادیه، آزادی بیان و حق تشکل و اعتصاب وجود ندارد و هر زمان کارگر معترض خواهان حقوق خود میشود، با زندان و شکنجه مواجه میشود. اشاره شد که علی رغم نبودن حق تشکل و اعتصاب، کارگران و مردم ایران همواره به خیابانها آمده اند و برای حقوق برحق خود که توسط رژیم اسلامی پایمال و به گروگان گرفته میشود، مبارزه میکنند، گفته شد که اگر طبقه کارگر ایران بعلت

سرکوب و اختناق قادر به تشکیل سازمانهای کارگری نیست، این وظیفه نیروهای سیاسی خارج از کشور منجمله حزب کمونیست کارگری ایران است که به نمایندگی از طرف طبقه کارگر ایران این خواست را مطرح کند و پرچم این کارزار را به اهتزاز در آورد. و ما گفتیم این دقیقا کاری است که ما بدان مشغول هستیم و تلاش می کنیم که خواست اخراج جمهوری اسلامی را با قدرت دنبال کنیم-

مسئولین اتحادیه پست در پایان جلسه از ملاقات با هیئت اعزامی اظهار خوشحالی نموده، به موضوع حزب کمونیست کارگری نسبت به اخراج جمهوری اسلامی سمپاتی نشان دادند و در نهایت خواهان استمرار این روابط با هیئت شدند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران. شرق کانادا ۵ ژوئیه ۲۰۰۸

در ۲۷ ژوئن ۲۰۰۸ هیئتی متشکل از محمد کاظمی، داوود آرام و فروغ ارغوان از طرف حزب کمونیست کارگری ایران. شرق کانادا با دو تن از مسئولین اتحادیه پست کانادا در اتاوا دنیز لمین، پرزیدنت اتحادیه پست و مارین پالاک، مسئول روابط بین المللی کارگری این اتحادیه ملاقات کردند و در ارتباط با اتحاد بین المللی با کارگران ایران گفتگو داشتند-

در این ملاقات اعضای هیئت به تفصیل در مورد چگونگی سر کار آمدن جمهوری اسلامی، کارنامه سرکوب و جنایت این رژیم و همچنین مبارزه و اعتراض کارگران و مردم بر علیه رژیم اسلامی صحبت کردند و به مطالبات چپ و رادیکال در مبارزات کارگران و مردم و نقش حزب و جنبش کمونیسم کارگری در رادیکالیزه کردن این جنبش اشاره کردند- در این بین اعضای هیئت از اهمیت حمایتی بین المللی کارگری از مبارزات کارگران و مردم ایران حرف زدند- گفته شد که نامه های حمایتی تاکنونی در تقویت مبارزات کارگران موثر بوده ولی بهیچوجه کافی نیست و این حمایتها بایستی به سطح جدیدی ارتقا پیدا کند و بر ضرورت خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار تاکید گردید.

در پاسخ به این خواست هیئت، مسئولین اتحادیه اظهار داشتند که آنها به حمایتی تاکنونی خود از کارگران و مردم ایران ادامه خواهند داد ولی تقاضای اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او توسط اتحادیه های کارگری در محدوده عمل اتحادیه ها نیست و اینکه این خواست را خواست جدیدی دانستند و گفته شد که مسئولین اتحادیه پست

دستمزد کارگران هر ماه اتفاق می افتد و این نشانه ناکارآمدی مسئولین است. او میگوید هم مسئولین ایالتی و هم منطقه ای از صداقت کافی برای حل این مشکل که از سال ۲۰۰۲ بطور مرتب اتفاق می افتد، برخوردار نیستند. مالک نوید میافزاید که دلیل اصلی در تأخیر پرداختها، درگیری بین دو حزب رقیب، Awami National Party و Pakistan People Party در این منطقه است و کارگران هر ماهه قربانی درگیری بین این دو حزب رقیب میشوند که برای مخالفت و ناکارآمد دانستن یکدیگر در پرداخت دستمزد ناچیز کارگران تأخیر میکنند. کارگران اعلام کرده اند که دعوای درونی احزاب رطبی به آنها ندارد و تا هنگامیکه دستمزدهای معوقه شان پرداخت نشود، به اعتراض خود ادامه خواهند داد. آنها همچنین تهدید کرده اند در صورت عدم وصول مطالباتشان آب شهر را نیز قطع خواهند کرد.

و گرنه باید هر سخن تحقیر آمیزی را تحمل کند. صاحب کار که از این به بعد صاحب اوست، گفت بمیر باید بمیرد. این جامعه به همین سیاهی است، صدها برابر بدتر از این تصویری است که من دادم. باید یکبار برای همیشه این بختک را از روی سینه جامعه به کناری انداخت؛ این با " قوانین جاری جامعه" امکان پذیر نیست، باید درهم شکست این مناسبات را. و این کار از سندیکا و تشکلات مشابه آن بر نمی آید. تجربه نشان داده که اینگونه است. تعرض رادیکال به نظام و تشکیل شوراها راه حل موقتی و نهایی کارگران است. حالا این را چه یک "بچه مایه دار" بگوید یا یک کارگر، هیچ فرقی ندارد، اساس حرف درست است. \*

## کارگران جهان متحد شوید

## اعتصاب کارگران لوله سازی خوزستان توسط نیروی انتظامی سرکوب شد

### کارگران جاده اهواز - خرمشهر را به مدت ۱ ساعت و نیم مسدود کردند

### کارگران "فرنخ و مه نخ" قزوین بار دیگر دست به اعتصاب زدند

بر اساس گزارش خبرگزاری فارس از اهواز، کارگران شرکت لوله سازی خوزستان که در هفت کیلومتری جاده اهواز - خرمشهر واقع شده است، صبح روز ۱۹ تیرماه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و حقوق خود، جاده اهواز - خرمشهر را از ساعت ۹ صبح مسدود کردند که با مداخله نیروی انتظامی جمهوری

اسلامی (ناجا) و همچنین وعده پرداخت دو ماه از مطالبات کارگران در ساعت ۱۰ و نیم صبح پایان یافت. بنا بر همین خبر، کارگران قراردادی ۶ ماه حقوق و کارگران رسمی دو ماه حقوق معوقه از این شرکت طلبکارند.

بنا به خبر دیگری نزدیک به ۸۰۰ نفر از کارگران کارخانه "فرنخ و مه

نخ" قزوین بار دیگر دست از کار کشیدند و در اعتراض به عدم پرداخت عیدی و پاداش سال ۸۶ خود به یک اعتصاب دو روزه دست زدند. مدیریت بلافاصله پس از اعتصاب بخشی از بدهی کارگران مربوط به سال ۸۶ را پرداخت کرد. کارگران خواهان پرداخت فوری کلیه دستمزدهای معوقه خود میباشند.

تعداد زیادی از کارگران این کارخانه دستمزد اردیبهشت به بعد خود را دریافت نکرده اند. کارگران گفته اند که اعتصاب مجدد برای دریافت دستمزد و حقوق پرداخت نشده شان دور از انتظار نیست. لازم به یادآوری است که کارگران کارخانه "فرنخ و مه نخ" قزوین تا بحال چندین بار در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده خود دست به اعتصاب و اعتراض زده اند.

حزب کمونیست کارگری سرکوب کارگران لوله سازی و مداخله

نیروهای انتظامی را شدیداً محکوم میکند و از خواستههای بحق کارگران لوله سازی اهواز و "فرنخ و مه نخ" قزوین قاطعانه حمایت می کند و همه کارگران و مردم را به حمایت بیدریغ از مطالبات و اعتراض این کارگران فرا می خواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۹ ژوئیه ۲۰۰۸، ۱۹ تیرماه ۱۳۸۷

## اخباری از اعتراضات کارگری

### اعتصاب کارگران شرکت فرآوری منابع معدنی زنجان

بنابه خبری که "کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری" روی سایت اینترنتی خود قرار داده است، کارگران شرکت فرآوری منابع معدنی شهر زنجان در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهای خود دست به اعتصاب زده اند. متن خبر چنین است:

"کارگران شرکت فرآوری منابع معدنی شهر زنجان در اعتصاب هستند کارگران این شرکت به علت پرداخت نشدن ۳ ماه حقوق خود دست به اعتصاب زدند. ۴۰۰ کارگر این شرکت اعلام کردند تا پرداخت نشدن حقوقهای این سه ماه به اعتصاب خود ادامه خواهند داد."

### اعتراض کارگران کاشی رویال به دستمزدهای پرداخت نشده

بنابه خبری که ۱۹ تیرماه منتشر گردیده بود، ۱۵۰ کارگر کاشی رویال سمنان در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه از حقوق و عیدی و مزایای سال ۸۶ خود، متحدانه دست به اعتصاب زدند و کارخانه تعطیل شد. کارگران گفته اند که مدیریت و اداره کار مدام وعده های

دروغ میدهند.

### اعتصاب ۲ ساعته کارگران صنایع فلزی "سازه های سنگین"

بنابه خبری کارگران شاغل در کارخانه شماره ۲ صنایع فلزی "سازه های سنگین" ساری در مازندران در اعتراض به عدم پرداخت بدهی معوقه خود دست از کار کشیده و به یک اعتصاب ۲ ساعته دست زدند. کارگران دلیل اعتصاب خود را بی توجهی مسئولان به خواسته های خود و عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و بخشی از عیدی سال ۸۵ عنوان کردند. کارگران اعلام کرده اند که قرار است مدیر عامل شرکت روز ۱۷ تیرماه به میان آنها بیاید و در خصوص تأخیر در جواب دادن به مطالبات کارگران توضیح بدهد. کارگران التیماتوم داده اند که در صورت اجرا نشدن قول مدیر، اعتصاب و اعتراض ادامه خواهد یافت.

### اعتراض کارگران چینی رویال به عدم پرداخت دستمزدها

بنابه خبر دیگری که روز ۱۶ تیرماه منتشر شده بود، کارگران چینی رویال سمنان، در اعتراض به عدم دریافت ۴ ماه حقوق، اعتراض کرده و از رسانه های محلی خواسته

اند که مشکلات آنها را درج کنند تا افکار عمومی از این وضعیت باخبر شود.

### اعتراض کارگران تعاونی مسکن نگین ساز

بنابه خبری که روز ۱۵ تیرماه منتشر شده بود، کارگران تعاونی مسکن نگین ساز طبس در اعتراض به مسانعت شهرداری از واگذاری واحدهای مسکونی تعاونی به کارگران، دست به اعتراض زده و خواهان اجرای آن شدند. کارگران گفته اند که با وجود طی شدن مراحل لازم برای واگذاری زمین برای ساخت واحد مسکونی به نام کارگران، شهرداری ممانعت بعمل می آورد. کارگران التیماتوم داده اند که در صورت عدم همکاری مسئولان شهرداری ظرف ۲۴ ساعت آینده در مقابل فرمانداری طبس تجمع خواهند کرد.

### هشتمین روز اعتصاب کارگران "تهران پتو" و "ایران ترمه"

بنابه خبری که دیروز ۱۵ تیرماه منتشر شده بود، اعتصاب کارگران دو کارخانه "تهران پتو" و "ایران ترمه" در قم وارد هشتمین روز خود شد. بنا بر همین خبر، مطالبه کارگران پرداخت ۹ ماه حقوق معوقه است. کارگران گفته اند تا دریافت کلیه مطالبات خود، به اعتصاب ادامه خواهند داد.

## دو خبر از وضعیت فعالین کارگری دستگیر شده

### محمد جراحی آزاد شد

### تعیین وثیقه ۱۵۰ میلیونی برای غلامرضا غلامحسینی

غلامحسینی در چهارماه گذشته حتی موفق به پرداخت کرایه خانه نیز نشده است که اکنون جمهوری اسلامی برای آزادی او درخواست وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی می کند. حزب کمونیست کارگری آزادی محمد جراحی را به خانواده، همکاران و رفقای صمیمانه تبریک می گوید و خود را در شادی آنها شریک می داند. حزب همچنین قرار وثیقه برای غلامرضا غلامحسینی را محکوم می کند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط او و کلیه زندانیان سیاسی است. حزب همه کارگران و مردم شریف را به اعتراض به تعیین وثیقه برای آزادی زندانیان سیاسی فرا می خواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

بنابه خبری که آیت نیافر از کمیته دفاع از محمد جراحی در اختیار رسانه ها قرار داده بود، محمد جراحی فعال کارگری و از اعضای کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری که روز ۳۰ خرداد دستگیر شده بود، بعد از گذراندن ۲۰ روز در بازداشتگاههای جمهوری اسلامی سرانجام تبرئه گردید. محمد جراحی هنوز آزاد نشده اما گفته میشود که بزودی آزاد می شود. بنا به خبر دیگری که بستگان غلامرضا غلامحسینی، از کارگران تعلیقی شرکت واحد و از اعضای سندیکای شرکت واحد، که در تیرماه دستگیر شده بود، دادسرای امنیت تهران برای آزادی او درخواست وثیقه ۱۵۰ میلیون تومانی کرده است. بستگان وی گفته اند که غلامرضا

### آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است:

ماهواره هات برد ۸  
فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز  
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰  
اف ای سی ۳/۴  
پلاریزاسیون عمودی (Vertical)  
سایت کانال جدید:  
آدرس تماس:

<http://www.newchannel.tv>

[kanaljadid@yahoo.com](mailto:kanaljadid@yahoo.com)

[tv.anternasional@yahoo.com](mailto:tv.anternasional@yahoo.com)

پیش بسوی تشکیل شوراها!

زنده باد شورا!



## اعتصاب کارگران ایران خودرو با وعده مسئولین این شرکت به تحقق برخی از خواسته‌های کارگران، موقتا پایان یافت بخشهایی از کارگران نیشکر هفت تپه بار دیگر دست به اعتصاب زدند



نشود بار دیگر اعتصاب بزرگ خود را شروع خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواستها و مبارزات کارگران ایران خودرو و نیشکر هفت تپه حمایت میکند و کارگران را به اتحاد هرچه بیشتر برای تحقق کلیه مطالباتشان فرامیخواند. حزب از همه مراکز کارگری و مردم آزادیخواه در سراسر کشور میخواند که این مبارزات را تنها نگذارند و به هر شکل که میتوانند از مبارزات یکدیگر حمایت کنند. تنها با شکل دادن به همبستگی وسیع و گسترده میتوان کارفرمایان و دولت سرکوبگر و جنایتکارشان را به عقب راند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۷ ژوئیه ۲۰۰۸، ۱۷ تیرماه ۱۳۸۷

بودند، امروز دوشنبه دست به اعتصاب زدند و سایر بخش‌ها نیز بدنبال اعتصاب این دو قسمت عملاً بی‌کار شدند. کارگران قسمت شربت گیری که ۵۰ تا ۶۰ نفر هستند و نیز کارگران قسمت کوره بخار گازگیری که اینها نیز ۵۰ تا ۶۰ نفر میباشند امروز بدلیل عدم تحقق خواسته‌های کارگران از جمله نپرداختن پنج ماه حقوق معوقه دست به اعتصاب زدند. بخش آسیاب و کشاورزی نیز بدلیل اعتصاب در این دو بخش عملاً تعطیل شد و بدین ترتیب کل شرکت نیشکر به حالت نیمه تعطیل درآمد. شفیع مدیر عامل نیشکر هفت تپه که تاکنون به هیچکدام از وعده‌های خود عمل نکرده است، دو روز دیگر از کارگران مهلت خواست. کارگران اعلام کردند که چنانچه تا روز چهارشنبه به خواسته‌هایشان پاسخ داده

حتی همین حد از خواسته‌هایی که باقری قول تحقق آنها را داده است، علاوه بر نارووشنی و عدم صراحت آنها، هیچگونه ضمانت اجرایی ندارد. کارگران ایران خودرو در این اعتصاب گوشه‌ای از قدرت خود را به نمایش گذاشتند و عزم و اعتماد بنفس آنها برای تداوم مبارزه افزایش یافته است. کارگران عقب نشینی کارفرما را یک موفقیت برای خود میدانند و میگویند که اجرای این وعده‌ها را پیگیری میکنیم و چنانچه خواسته‌هایمان متحقق نشود مجدداً دست به اعتراض و اعتصاب خواهیم زد.

### اعتصاب در نیشکر هفت تپه:

کارگران دو واحد نیشکر هفت تپه نیز با پایان مهلتی که به کارفرما داده

خودرو به قول‌های خود رسیدگی نکنند و کارگران به خواسته‌های خود نرسند، اعتصاب را مجدداً شروع خواهند کرد.

آنچه باقری وعده داده است، گوشه کوچکی از خواسته‌های کارگران است. کارگران خواهان افزایش دستمزد متناسب با قیمت‌ها، افزایش بهره‌وری، آزادی تشکل، اخراج حراست، لغو اضافه کاری اجباری و برداشتن سقف اضافه کاری عادی، لغو قراردادهای موقت و استخدام رسمی کارگران، جلوگیری از گسترش شرکت‌های پیمانکاری و انتقال کارگران آن به خود شرکت ایران خودرو، شرکت نمایندگان کارگران در کمیته مشاغل طبقه بندی، شرکت نمایندگان کارگران در کمیته تشخیص کارهای سخت و زیان آور، کاهش فشار کاری از طریق استخدام نیروهای جدید هستند. اما

اعتراض ۱۰۰۰۰ کارگر ایران خودرو که از اوایل هفته گذشته شروع شده و در روز دوشنبه ۱۰ تیرماه به اوج خود رسیده بود، بدنبال وعده باقری جویانی معاون مدیر منابع انسانی شرکت ایران خودرو مبنی بر برآوردن کردن گوشه‌هایی از خواسته‌های کارگران موقتا پایان یافت. باقری در گفتگو با نشریه کارآمد در روز شنبه ۱۵ تیرماه اعلام کرده است که از اول مهرماه دستمزد ده هزار نفر از کارگران با رفع محدودیت در ارتقای بودجه مربوط به افزایش درآمد کارگران، افزایش خواهد یافت، اضافه کاری اجباری روزهای جمعه لغو خواهد شد و مدارک مازاد کارگران پذیرفته خواهد شد. بدنبال این مصاحبه کارگران به اعتراض خود پایان دادند اما میگویند چنانچه مسئولین ایران

## فراخوان کارگران ایران خودرو

آگاهی " اتحاد و تشکل رمز پیروزی ماست  
ما هر گونه تهدید و ارعاب علیه کارگران را محکوم می‌کنیم  
اعتصاب حق مسلم ماست

شبکار باش تا بدانی ما کارگران چه می‌کشیم آقای منطقی دوهفته شبکار شدن می‌دانی یعنی چی پوشیدن لباس کارگری نشانه کارگر بودن نیست، باید کارگر باشی تا بدانی کارگری یعنی چه ما مگر چی می‌خواهیم ما می‌گوییم وقتی که شبکار هستیم حق شبکاری به ما تعلق نمی‌گیرد. تورم بالا رفته گرانی بیداد می‌کند با این همه فشار کاری حقوق ما کم است ما چه گناهی کرده‌ایم که باید توان هزینه‌های دولت را بپردازیم ما زندگی شرفتمندانه می‌خواهیم ما می‌گوییم چرا هزینه‌ها از جیب ما شرکت میلیاردها تومان در آمد دارد خودروهای صادراتی با دستان توانمند ما صادر می‌شوند پس نتیجه زحمات شبانه روزی ما کجا

و کارگران اعلام نکرده است بس خود مدیریت به اصول خود پشت پا زده و به جای جواب به خواست ما کارگران نیروهای امنیتی را به رخ ما کشیده است مگر ما کارگران چه می‌خواهیم ما می‌گوییم تا کی ما کارگران باید روزهای جمعه را کار کنیم ما از بچه‌هایمان خجالت می‌کشیم در کجای دنیا یک کارگر روز تعطیلی ندارد اگر مدیران ما فقط به قول خود مسلمان‌ها باشند از نظر شرعی بکروز پیش خانواده بودن حق هر انسانی است مگر ما چی می‌گوییم که اینچنین برای ما شمشیر از رو کشیده اند فشار کار وحشتناک باعث می‌شود ما حتی نتوانیم به دستمزدی برویم آیا گفتن این مسئله جرم است آقای منطقی به جای گسیل حراستی‌ها به سالنها فقط می‌مان ما کارگران زندگی کن فقط یک هفته کارگر باش دو هفته پشت سر هم شیفت

همکاران و دوستان گرامی به دنبال آغاز اعتصاب ما کارگران مدیریت شرکت به جای فرستادن قوای مسلح و تهدید و ارعاب و گرفتن کارت چند نفر از همکاران در قسمتهای مختلف می‌خواهند از ادامه اعتصاب ما کارگران جلوگیری کنند. مدیریت شرکت با اطلاعیه سوخته شده سالها پیش هر وقت کارگران برای گرفتن حقتشان بلند شدند با بهانه قرار دادند مسئله امنیت و ترسانند ما کارگران از هالوی نامحسوس به نام عوامل ضد انقلاب خواستند با چسب به نیروهای دیگر

ما را از اعتصاب باز دارند دیشب با اعلام حالت فوق العاده در شرکت گیسل دهها مامور امنیتی خواستند ما را بترسانند. با گرفتن کارت دهها نفر از کارگران و فرستادن آنها به خانه خواستند از سوار نشدن ما کارگران به سرویسها جلوگیری کنند و اتحاد ما را بشکنند. حضور حراست در سالنها و تهدید کارگران خلاف اصول جهانی کار است خلاف اصول حقوق بشر است اعتصاب برای بدست آوردن کمترین خواسته حق هر انسانی است مگر مدیریت شرکت شعار اول خود را صیانت از حقوق نیروی انسانی

**اعتصاب حق مسلم ماست**  
**زندگی شایسته حق مسلم ماست**